

شکل گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن^۱

محمدرضا حاتمی^۲

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

(تاریخ دریافت ۹۴/۱/۱۸ - تاریخ تصویب ۹۴/۳/۲۷)

چکیده

رشد گروه های تروریستی در سال های گذشته در منطقه خاورمیانه نشان دهنده فصل جدیدی از مسائل امنیتی در منطقه است. گسترش سریع گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه بیانگر این نکته است که حرکت تروریستی دیگر در قالب سنتی و درون کشوری صورت نمی پذیرد بلکه فرآیند جهانی شدن و سیستم ارتباطی جدید ابزارهای نوینی هستند که امکان سازماندهی و اقدام فرامرزی را فراهم آورده اند. از این رو بررسی شکل گیری داعش در منطقه خاورمیانه در کانون جهانی شدن حائز اهمیت است. هدف از این پژوهش نشان دادن تاثیرات جهانی شدن در شکل گیری و رشد گروه تروریستی داعش در منطقه است. سوال اصلی پژوهش این است که چگونه جهانی شدن زمینه های رشد داعش را بوجود آورد. فرضیه پژوهش این که فرآیند جهانی شدن از طریق ایجاد سیستم ارتباطی جهانی و کاهش نفوذ دولت ها باعث رشد گروه تروریستی داعش شده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره گیری از اسناد معتبر و رویکرد هویت اجتماعی بر این نتیجه است که گسترش سیستم ارتباطی در کنار افزایش خودآگاهی اجتماعی باعث شکل گیری هویت های جدید ضد دولتی در منطقه شده که داعش نیز با بهره گیری از این فرصت و تضعیف دولت ها سر برآورده است.

واژگان کلیدی: داعش، جهانی شدن، هویت، خاورمیانه

مقدمه

^۱ این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی دانشگاه پیام نور با عنوان "شکل گیری تهدیدات منطقه ای داعش در کانون پویش جهانی شدن تحولی نوین در مسائل امنیتی منطقه" می باشد.

^۲ - Hatami5@yahoo.com

جهانی شدن یکی از مسایل مهمی است که در چند دهه اخیر و به ویژه پس از پایان جنگ سرد بسیاری از جنبه های زندگی انسانی را تغییر داده است. این پدیده که با انقلاب فناوری و ارتباطی در دهه ۱۹۸۰ اوج گرفت ابتدا حوزه اقتصاد جهانی و سپس دیگر عرصه های جهانی - عرصه هایی چون دانش، فرهنگ، جامعه و سیاست - را تحت تأثیر قرار داد (شفیعی و مهرور، ۱۳۹۱).

ضمن آنکه فروپاشی نظام دوقطبی به تشدید روند جهانی شدن کمک کرده است، در عین حال می توان اذعان داشت که خود این فروپاشی نیز معلول جهانی شدن بوده است. از طرفی دیگر شاید مهمترین تاثیر این فرایند فروپاشی بسیاری از ارزش ها و الگوهای رفتاری عصر روشنگری باشد. از این جهت جهانی شدن تناقضات بسیاری را در مقابل دیدگان ما می گذارد؛ بدین معنی که در حالی این پدیده گسترش دوستی، همسوئی ها و عناصر مشترک بشری را به معرض نمایش می گذارد، در ضمن بیانگر تنش ها، اختلافات، نابرابری ها، نیز است (قوام، ۱۳۹۰: ۷-۸).

از جمله مهمترین ویژگی های جهانی شدن می توان به سرعت تبادل اطلاعات اشاره داشت. چرا که همراه با عنصر سرعت کیفیت تعاملات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی دچار تحولات اساسی می شود. از این جهت پیشرفت فن آوری باعث کوچکتر شدن جهان گردیده که این خود آگاهی را به همراه داشته است. تحت این شرایط افکار عمومی از طریق شبکه های مجازی شکل می گیرد و نسبت به وقایع و رویدادها از حساسیت بالای برخوردار است (بیلیس و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۹). از این رو نوعی خودآگاهی اجتماعی صورت می پذیرد و باعث فعال شدن هویت های گروهی در جامعه می گردد. این در حالی است که با پیشرفت فرایند جهانی شدن میزان نفوذ و کنترل دولت ها بر گردش اطلاعات کاهش یافته حتی گروه های فراملی از قوت بالای در جهت سیاست ها برخوردار هستند.

در این بستر رشد نیروهای بنیادگرایی و توانایی سازماندهی آنان بواسطه این شبکه عظیم جهانی تقویت یافته و زمینه های را برای اتحاد و بهم پیوستن گروه ها و افراد سرخورده ناشی از فردگرایی مدرنیته افزایش می یابد. بنابراین گروه های بنیادگرا بخصوص بنیادگرایی دینی با بره گیری از این ظرفیت به دنبال سازماندهی و تقویت موقعیت خود در برابر دولت ها بر آمده و اقدام به جذب افراد و گسترش دامنه خود می کند. یکی از این گروه های بنیادگرایی سلفی که در منطقه خاورمیانه رشد کرده است با بهره گیری از این سیستم ارتباطی توانسته است افراد و گروه های خاص را از اقصی نقاط جهان جذب بکند. «دولت اسلامی عراق و شام» موسوم به «داعش»^۱ پس از بروز بحران های اجتماعی و امنیتی در سوریه و عراق توانست جایگاهی در منطقه به خود اختصاص دهد و با استفاده از ظرفیت ارتباطی ایجاد شده در منطقه و نارضایتی های اجتماعی دست به گسترش زده است که البته تضعیف دولت های منطقه و تقویت قدرت های بزرگ که به دنبال ایجاد بحران در خاورمیانه نیز بوده اند از جمله عوامل دیگر تاثیر گذار بر شکل گیری این گروه در خاورمیانه بوده است (Katagiri, 2015).

¹ - Islamic state of Iraq and Syria (ISIS)

بر این مبنا بررسی شکل گیری تهدیدات داعش در بستر جهانی شدن حائز اهمیت بسزایی است. هدف این پژوهش بررسی زمینه های شکل گیری داعش در کانون تحولات جهانی و منطقه ای ناشی از جهانی شدن است. سوال اصلی پژوهش این است که چگونه جهانی شدن زمینه های رشد داعش را بوجود آورد. فرضیه پژوهش این است که فرآیند جهانی شدن از طریق ایجاد سیستم ارتباطی جهانی و کاهش نفوذ دولت ها باعث رشد گروه تروریستی داعش شده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و بهره گیری از اسناد و متون معتبر در کنار رویکرد جهانی شدن و تاثیر آن بر هویت به دنبال پاسخگویی مسائل است. در ادامه ابتدا به چارچوب نظری پرداخته شده سپس فرآیند شکل گیری داعش و ویژگی های آن را بررسی می کنیم و در نهایت به تاثرات جهانی شدن بر شکل گیری و گسترش داعش خواهیم پرداخت.

چارچوب نظری

جهانی شدن بر اساس بازسازی زمان، مکان و فضا که به دنبال خود بحران های متعددی از جمله هویت و معنا داشته است حاکی از وضعیت جدیدی است که پیش از این در سابقه بشریت جای نداشته است. از این جهت جهانی شدن در ابعاد گوناگونی صورت پذیرفته است که این ابعاد در تعامل و ارتباط با یکدیگر به سر می برند. هر چند گاهی جهانی شدن در قالب مذهب و ایدئولوژی پیش از این در جهان وجود داشته است اما زمینه های جهانی شدن امروزی در بستر سرمایه داری رشد کرده است و در کانون تحولات برق آسای تکنولوژیک، اقتصاد و ارتباطات قرار دارد این خود نیز به تسری سرمایه داری مربوط است چرا که فئودالیته عمدتاً درون گرا بوده و در بستر زمین ثابت قرار داشت در حالی که سرمایه داری برون گرا بوده و به دنبال گسترش و تصرف منابع زیاد است.

مهمترین ویژگی که جهانی شدن با خود به همراه دارد «بحران معنا» است. بدین صورت که الگوهای نظام وستفالیایی در غالب دولت - ملت، ناسیونالیسم و جغرافیایی سیاسی دچار تحول اساسی شده اند. نوعی سیالیت در حوزه نظام معنای صورت گرفته است که تعاریف شهروندی، حقوق و حتی دولت را تغییر داده است. در این رهگذر دیگر دولت قدرت بلامنازع عرصه جهانی به شمار نمی رود بلکه نیورهای رقیب از قبیل شرکت های بزرگ و چند ملیتی و گروه های موردی غیر دولتی¹ گرفته و رشد گروه های نامتعارف تروریستی را می توان شاهد بود (Clapham, 1990).

از این جهت، می توان نوعی پیوستگی و گسستگی معنای را در ابعاد گوناگون در جهانی شدن شاهد بود. این گونه که از یک سو بدلیل گسترش سیستم ارتباطی باعث همگرایی و نزدیک شدن نقاط گوناگون جهان گردیده و از طرفی دیگر با آگاهی جهانی محلی گرایی نیز تقویت شده و نوعی رقابت میان بازنمایی ها در عرصه جهانی صورت پذیرفته است. نمونه این محلی گرایی را می توان در تاکید بر سنت های محلی و تبلیغ آن در گستره جهانی شاهد بود. بنابراین، واکنش ها به جهانی شدن

¹ - Non Government Organization (NGO)

همواره در راستایی سازنده نخواهد بود و قسمت های از نقاط جهان همواره به چشم تهدید به آن نگریسته و در برابر آن مقاومت می کنند.

آنچه که در این راستا حائز اهمیت شکل گیری بحران معنا است که باعث کاهش نفوذ دولت در کنترل بر مفاهیم و گردش اطلاعات است. به عبارت بهتر دولت ها دیگر تنها قدرت در عرصه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی امنیتی بشمار نمی روند چرا که با قدرت گرفتن و پیوستگی نیروها بواسطه سیستم ارتباطی در نقاط مختلف جهان مرزهای جغرافیایی نفوذ پذیر شده و «لامکان ها» و عرصه های مجازی هویت ها را به تصویر می کشد. لذا، ناسیونالیسم که زمانی هویت خود را از سرزمین و ژئوپلیتیک کسب می کرد دچار تزلزل شده و انسان جهانی رخ نموده است. این در حالی است که در این بستر بوجود آمده زمینه های شکل گیری اندیشه های جدید و یا گسترش بنیادگرایی به دلیل تسری در نقل و انتقال نیز افزایش یافته است. که نمونه های آن را می توان در شبکه های تلویزیونی و عضو گیری های بین المللی شاهد بود. آنچه که در این رهگذر حائز اهمیت است تاثیر فرآیند جهانی شدن بر عرصه امنیت و شکل دادن به بستر رشد بنیادگرایی و گروه های تروریستی است (Holton, 1998).

جهت درک هر چه بهتر نوع رابطه نوینی که میان امنیت و گروه های تروریستی شکل گرفته، بایستی به ساختار و پارادایم تازه ای که شکل گرفته است، توجه نمود. به گونه ای که پارادایم «ملی» از زمان عقد قرارداد صلح وستفاليا و پایان یافتن جنگ سی ساله (۱۶۴۸-۱۶۱۸)، حاکم بوده و نزاع و صلح در قالب آن تعریف و درک شده است. از این رو توجه به شکل دادن ارتش کلاسیک و منظم از جمله موارد مهم در مسائل امنیتی به شمار می رفت. این پارادایم هر چند برای تجزیه و تحلیل بسیاری از جنگ ها که تا پایان جنگ سرد رخ داده است؛ مناسب به نظر می رسد اما به درگیری های که در آن حداقل یکی از طرفین «غیر دولتی» است ناکارآمد به نظر می رسد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۱۶). نکته دیگر این که، تعداد و انواع این گونه سازمان ها رو به افزایش است و متعاقب گسترش نفوذ و افزایش اهمیت شان، درگیری آن ها با دولت ها افزایش می یابد و حتی امروزه یکی از مهمترین مسائل امنیتی گسترش روز افزون نیروهای نظامی غیر دولتی و گروه های تروریستی است. لذا، نوعی تحول پارادایمی را در عرصه رویکرد نظامی شاهد هستیم که دیگر درگیری ها و برخوردهای نظامی در غالب میان دولتی یا بین نیروهای کلاسیک نظامی رخ نمی دهد بلکه عمده درگیر ها در غالب جنگ های نامعین و نامتمرکز بروز می کند. از این رو، می توان ویژگی های جنگ سرد را که پیش از این وجود داشت با وضعیت جهانی شدن مقایسه کرد. این ویژگی ها به صورت ذیل هستند:

۱- در دوران جنگ سرد، قدرت نظامی در دو کانون اصلی متمرکز بود، حال آنکه امروزه چندین قدرت و قدرت های غیر دولتی رشد کرده اند.

۲- در دوران جنگ سرد تهدیدات نظامی آشکار و در اولویت نخست بود، حال آن که امروزه وضعیت مبهم بوده و در خصوص اولویت و وضوح تهدیدات نظامی به شدت تردید وجود دارد.

۳- تهدیدات دوران جنگ سرد غالباً قابل پیشگیری بودند، حال آن که تهدیدات عصر حاضر به گونه‌ای اجتناب ناپذیر گشته و عموماً گریزی از مواجه شدن با آنها نیست (Crevelde, 1991: 35-49).

بنابراین وضعیت جدید دولت محور نیست و علاوه بر آن، بازی گران دیگری که از جنس دولت ملی نیستند و حتی فرا دولتی یا فرو دولتی هستند در این معادله جای دارند. در کنار این شرایط می توان به فرایند تجزیه شدن بسیاری از واحدهای سیاسی کوچک و بزرگ همچنان شکل گیری نهادهای جدید در شبکه جهانی اشاره داشت (Gordon, 1993).

همانگونه که مفاهیم در عرصه جهانی شدن دچار گسست و پیوست شده اند مفهوم «امنیت» و رویکردهای آن نیز دچار تحول شده است. به عبارت بهتر دال «امنیت» به مدلول مشخصی ارجاع نمی دهد. اگر زمانی امنیت در گرو دولت قابل تعریف و فهم بود امروزه از دولت ملی مرکزیت زدایی شده و امنیت در عرصه های فردی و اجتماعی صورتبندی شده است. یکی از مهمترین ویژگی های امنیتی در فرایند جهانی شدن بومی شدن یا محلی شدن^۱ است. یکی از رویکردهای است که انسان عصر جدید برای فرار از بی معنایی جهانی شدن به آن پناه می برد. اندشمندان عمدتاً از این موضوع بعنوان واگرایی میان «معنا» و «قدرت» یاد می کند که چهره خود را در تعارض میان جهانی شدن سریع و ظهور یک هویت فرهنگی یا قومی نشان می دهد. از این جهت یکی از تناقضات جهانی شدن آن است که در فرایند جهانی شدن در عین حرکت به سوی همشکلی، انواع هویت های محلی و قومی به عنوان مقاومت در برابر گسترش جهانی شدن تقویت گشته اند. به گونه ای که این تناقض را «همگن سازی» در «مقابل چندپارگی^۲» می نامند (Robertson, 1998).

این در حالی است که علاوه بر شکل گیری محلی گرایی در پرتو جهانی شدن، امکاناتی نیز در اختیار قومیت ها و مذاهب قرار می گیرد که می توانند بواسطه آن دیدگاه های خود را در معرض دید و تبلیغ قرار دهند. به گونه ای که فرهنگ ها از بافت محلی خود خارج و در سرتاسر جهان تسری پیدا می کند. از دیدگاه انسان شناسانه متاخر تغییر متحول و متموج جهان پیرامون، شخص را وادار به قدرت یابی برای یافتن سرچشمه های جدید معنایی می کند. روشن است که جهانی شدن علاوه بر تولید کثرت و تاکید بر محلی شدن که دارای جنبه های مثبت است فرصت های را نیز در اختیار گروه های بنیادگرا نیز قرار می دهد حتی ممکن است ابزارهای لازم را جهت تهدید بقای انسان نیز آماده بکند. نمونه های این موارد را می توان در شکل گیری و گسترش گروه های تروریستی و کارتل های قاچاق شاهد بود درست است که جهانی شدن سیالیت معانی بوجود می آورد اما ابزارهای آن می تواند انسان های سرشکسته و انتقام جو را نیز در یک جا جمع کند.

¹ - Localization or Indigenization

² - Fragmentation

ظهور داعش

گروه تروریستی که امروزه در سرتاسر خاورمیانه گسترش یافته و قسمت های عمده عراق و سوریه را در اختیار دارد زمینه های تحولات جدید و نگرانی های زیادی در منطقه خاورمیانه شده است. به گونه ای که بی ثباتی در منطقه علاوه بر نامنی در سطح انسانی باعث کاهش ظرفیت و اهمیت منطقه خاورمیانه در ابعاد گوناگون شده است. از این جهت هم کشورهای غربی و کشورهای خاورمیانه نگرانی زیادی از گسترش سطح دامنه این گروه تروریستی-داعش- در منطقه دارند. از این جهت بررسی شکل گیری داعش در منطقه و ریشه ها و ساختار آن در تحولات منطقه حائز اهمیت بسزایی است (Gulmohamad, 2014).

ریشه های تشکیلات داعش به گروه «القاعده عراق»^۱ باز می گردد که به لحاظ فکری برگرفته شده از اندیشه های افراطی ابو مصعب الزرقاوی^۲ هستند (Austin, 2014). هنگامی که در سال ۲۰۰۶ م ابومصعب بواسطه نیروهای امریکایی و سازمان اطلاعات عراق کشته شد، ابویوب المصری^۳ بعنوان رهبر جدید این گروه انتخاب شد. به عبارت دیگر داعش شکل گرفته و جدا شده از القاعده عراق است که شامل «شورای مجاهدین» و «جند الصحابه» می باشد. در سال ۲۰۱۰ م ابوبکر البغدادی معروف به ابو دائو، در بقوبه عراق به عنوان رهبری این گروه ظهور کرد (Freeman, 2014). ابوبکر البغدادی که اصالتا عراقی است پس از کشته شدن المصری بدست نیروهای امریکایی و عراقی بعنوان رهبر گروه انتخاب شد سپس وی گروه داعش را در اپریل ۲۰۱۳ به صورت رسمی و به همراه شعار و پرچم آن اعلام کرد. البغدادی طی پیامی صوتی داعش و جبهه النصره که یکی از گروه های تروریستی در سوریه است را به صورت رسمی اعلام و خود را شاخه ای از تشکیلات القاعده معرفی کرد. این در حالی بود که هر دو تشکیلات جبهه النصره به رهبری ابو محمد الجولانی و داعش به صورت مجزا فعالیت می کردند (Joscelyn, 2013).

هرچند که الجولانی هر گونه وابستگی به داعش و همچنین الضواهری را انکار می کرد اما بدون شک این گروه نیز در راستای فعالیت ها و دیدگاه های اسامه بن لادن^۴ بود. نفوذ البغدادی فراتر از حوزه داعش رفت و باعث شد که گروه های خارج از مرز عراق را نیز در بر بگیرد به گونه ای که حتی در برابر و مخالفت با رهبر القاعده قرار گرفت. این در حالی بود که پس از گذشت ماه ها از فعالیت داعش الظواهری رهبر القاعده طی پیامی تهدیدات و نگرانی های نسبت به داعش بیان داشت و دستور عدم پیروی القاعده عراق از داعش را صادر کرد. به عبارت بهتر در این وضعیت شاهد رشد یک گروه بنیادگرایی رادیکال و مستقل از القاعده در منطقه هستیم (Mortada, 1023). لذا داعش گروهی است جهادی در منطقه خاورمیانه که خارج از کنترل القاعده قرار دارد و این گروه دارای آموزه ها و نیروهای خاص به خود است و بارها از دستورات رهبر القاعده سر باز زده اند.

¹ - Al-Qaida in Iraq (AQI)

² - Abu Musab al-Zarqawi

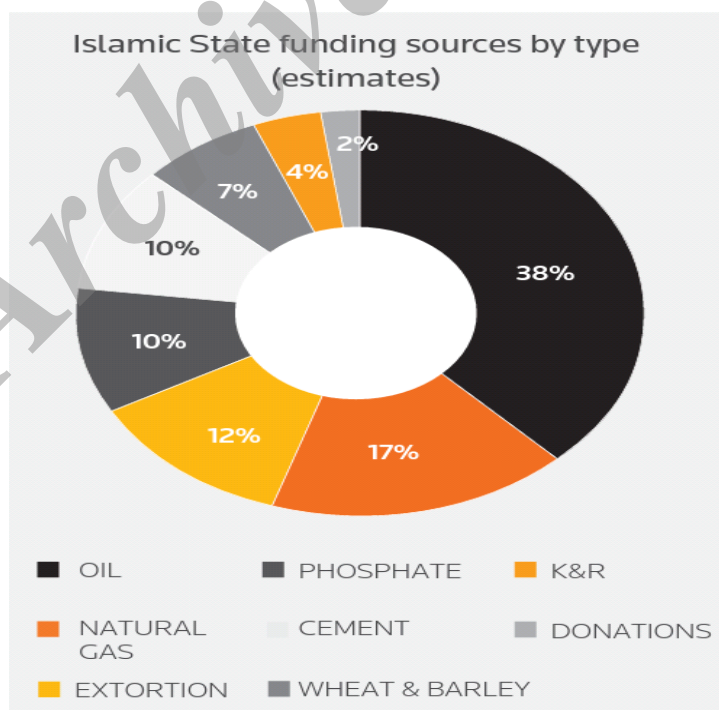
³ - Abu Ayyoub al-Masri

⁴ - Osama bin Laden

در تحلیل های در خصوص داعش بر این نکته تاکید می شود که، داعش بیش از یک ایده یا سازمان است. به عبارت بهتر داعش بعنوان یک گفتمان عمل می کند و در درون خود دارای عقلانیت و اصول رفتاری است. هر چند این گفتمان با دال خشونت مفصل بندی شده است اما بعنوان یک زمینه و تفکر دارای حامی و نفوذ اجتماعی است (روشن چشم، ۱۳۹۳). از این رو داعش علاوه بر گفتمان و اصول رفتاری به دنبال احیایی خلافت اسلامی و قلمرو اسلامی است. لذا، ابوبکر البغدادی بعنوان رهبر این گروه به صورت رسمی جدایی خود را از گروه القاعده اعلام کرده و خود را خلیفه مسلمین نامید. این در حالی است که رهبران ارشد نظامی تشکیلات داعش را فرماندهان نظامی صدام حسین تشکیل می دهند. امروزه داعش علاوه بر عراق در سوریه و لبنان نیز نفوذ قابل توجهی دارد و در این کشورها در حال گسترش و انجام عملیات های نظامی است (Bunzel, 2013).

داعش در شمال لبنان توسط ابوسیف الانصاری هدایت می شود و در حال انجام عملیات نظامی و نفوذ در لبنان هستند. رشد داعش در لبنان و تکثرت مذهبی در لبنان باعث گردیده است تا یک جنگ میان گروه ها و قبایل مختلف لبنان رخ دهد که عمده تلفات این جنگ ها غیر نظامیان هستند. داعش دسترسی زیادی به منابع اقتصادی و جغرافیایی دارد اما هنوز بعنوان یک کشور عمل نمی کند و در قالب گروه تروریستی در حال اقدام است. و منابع اقتصادی فراوان باعث رشد سریع و مقاومت این تشکیلات در برابر حملات گروه های ائتلاف است (شکل ۱) (Brisard & Martinez, 2015).

شکل ۱. منابع مالی داعش



رشد سریع و گسترش داعش در منطقه خاورمیانه بخصوص کشور عراق و سوریه هر چند باعث تشکیل ائتلاف علیه این گروه در منطقه شد، اما منابع مالی و مراکز نفتی و گازی قابل توجهی در منطقه تحت کنترل این گروه قرار گرفت که در راستایی پیشبرد اهداف آنان مورد بهره برداری قرار می گیرد. همان گونه که در شکل (۱)، نیز مشهود است قسمت عمده منابع مالی این گروه بواسطه نفت و گاز در منطقه است در کنار این منابع برخی از پالایشگاه های نفتی و پتروشیمی عراق و سوریه که در منطقه تمرکز داعش قرار داشتن نیز در اختیار داعش است کارخانه فسفات و اسید سولفوریک که از جمله کارخانه های صنعتی بزرگ منطقه هستند نیز در اختیار نیروهای داعش قرار دارند. در کنار این منابع قاچاق اسلحه و انسان که بعنوان تجارت سیاه شناخته می شود و اخاذی از کشورهای دیگر در قبال تحویل دادن گروگان ها از جمله منابع مالی است که داعش از آنها بهره برداری می کند. مطابق با مراکز تحلیلی و منابع داعش برآورد می شود که این گروه سالانه ۲/۹ میلیارد دلار درآمد حاصل کند (ibid, 2015).

ساختار اعتقادی داعش

به لحاظ اعتقادی این گروه معتقد به سلفیسم است. این دیدگاه جز اعتقادات سنی مذهب به شمار می رود اما در قالب هیچ یک از چهار فرقه سنی قرار نمی گیرد. با توجه به گفتمان داعش و ایجاد «فقه التکفیر» خشونت هسته اصلی این حرکت را تشکیل می دهد به گونه ای که هر چیزی خارج از اعتقادات سلفی را کفر بر شمرده و با آن به مبارزه و نابودی بر می خیزند و بر این مبنا در صورت کشتن و از بین بردن یک نفر کافر به سعادت می رسند و کشتار کافران را مجاهدت فی سبیل الله می دانند. مبانی فکری سلفیان و داعش را می توان بر اساس چهار محور هستی شناسی، معرفت شناسی، روش شناسی و معنا شناسی مورد تحلیلی قرار داد (فیرحی، ۱۳۹۳).

در خصوص هستی شناسی داعش قائل به مجردات نیست و حتی خداوند را دارای جسم می دانند که در روز قیامت قابل مشاهده خواهد بود از این جهت روح انسان نیز همان جسم انسان است و چیزی خارج از حس و مشاهده وجود ندارند به گونه ای که وجود نفس غیر مادی مورد قبول داعش نمی باشد. اما تقسیم هستی به غیب و شهادت را می پذیرند، بدلیل توجه به نقل در برابر عقل و اینکه قرآن تاکید بر جهان آخرت دارد مورد پذیرش داعش است اما بر این باور هستند که می توانند در جهان آخرت خداوند را با چشم سر ببینند (فیروزآبادی، ۱۳۹۳).

در حوزه معرفت شناسی عقاید داعش بر نقل توجه دارد و عقل را فاقد قدرت شناخت می دانند و در عوض بایستی به کلام قرآن، احادیث و اجماع صحابه بدون اجتهاد توجه کرد. به عقیده آنان عقل انسان را از رسیدن به سعادت باز می دارد و باعث گمراهی و تباهی می گردد و لذا هرآنچه که در برابر نقل قرار دارد و یا توسط آن توجیه نشده است را کنار می نهند و آن را جلوه های جهل می پندارند که برای نمونه می توان به دست آوردهای نوین بشری اشاره داشت.

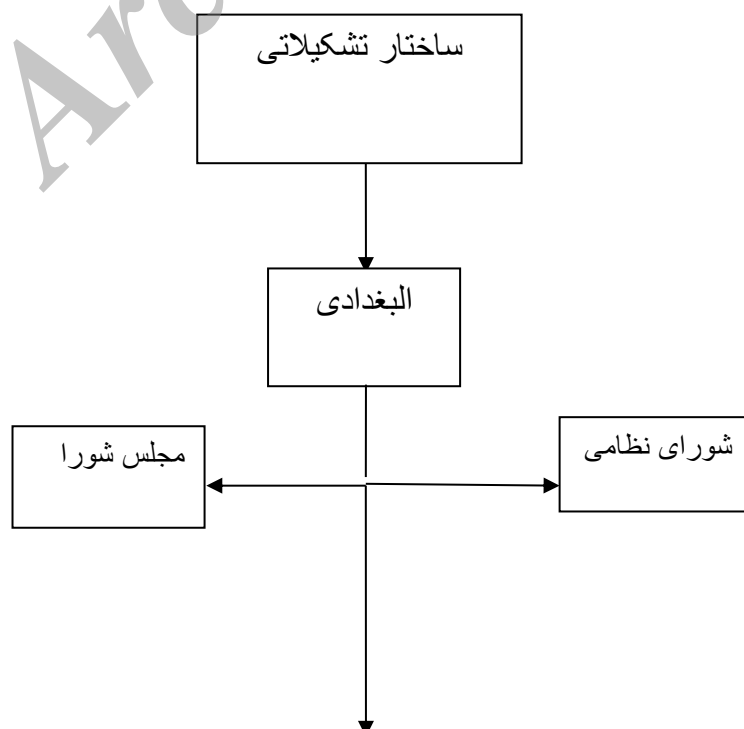
در باب معناشناسی، داعش به ظاهر گرایبی توجه دارد و هر گونه تاویل را باطل می داند به گونه ای که ابن تیمیه بیان می دارد: "همه فقها متفق اند که در خصوص صفات پروردگار به آیات و احادیث این باب باید ایمان آورد، بدون اینکه آن را تفسیر کرد یا توصیف و تشبیه نمود". از این جهت به باور آنان هرآنچه به ظاهر آمده است در نقل صحیح است و واقعیتی در عالم غیب دارد به طور مثال اگر آیه ای به این اشاره می کند که خداند دست دارد، بنابراین خداوند دارای دست ظاهری است (ابن تیمیه، ۱۴۱۵ق: ۲۳).

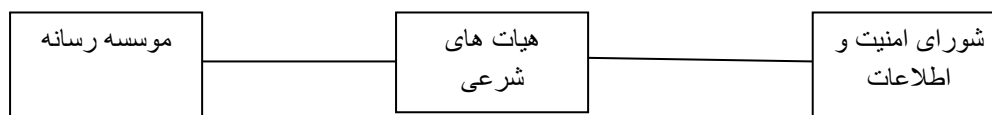
در مورد روش شناسی داعش بر این باور است که فهم سلف تنها مهم است و هر آنچه آنان بیان داشتند مورد توجه قرار می دهند چرا که تنها فهم سلف است که اعتبار دارد و دیگر فهم ها مثل فیلسوفان جهل است و کفر. به عبارت دیگر مبنای روش شناسی آنان را ظاهر گرایی و گذشته نگری تشکیل می دهد (حلبی، ۱۳۹۰: ۷۵).

ساختار تشکیلاتی داعش

این گروه از یک ساختار تشکیلاتی هرم مانند برخوردار است به طوری که سرکرده آن ها در راس هرم قرار دارد و بقیه فرماندهان و نیروها در قاعده آن قرار می گیرند. تمامی فرماندهان و اعضا مناصب کلیدی توسط شخص خلیفه انتخاب می شود، به عبارت دیگر تمامی فرماندهان و اعضا اصلی داعش توسط شخص ابوبکر البغدادی تعیین و مورد نظارت قرار می گیرد (Asad, 1999). ابوبکر البغدادی پس از آنکه بعنوان خلیفه قرار گرفت فرماندهان و والیان دیگر شهرها را انتخاب کرد و با هرگونه تصمیم که بر خلاف نظر وی باشد مخالفت ورزید. وی ابتدا «ابو میسره احمد عبدالقادر الجزاع» را بعنوان والی بغداد و سپس «ابو مهندلطیف حمید اسویداوی» را بعنوان والی الانبار منصوب کرد. همچنین داعش نمایندگان را برای امور گوناگون و فرماندهان نظامی دیگر جهت مبارزه انتخاب کرد (عباسی، ۱۳۹۳).

نمودار ۱. ساختار تشکیلاتی داعش





مطابق با نمودار ساختار تشکیلاتی داعش (نمودار ۱) پس از البغدادی بعنوان راس هرم شورای نظامی و مجلس شورا در درجه دوم هرم قدرت قرار دارند. شورای نظامی که یکی از مهمترین هسته های تشکیلات داعش است که ریاست آن را ابوالاحمد العلونی بر عهده دارد که وی عملاً نقش وزیر دفاع را ایفا می کرد که پس از کشته شدن وی ابوحزمه مهاجر به آن سمت برگزیده شد در کنار فرمانده شورای نظامی سه تن دیگر به فرمانده در خصوص برنامه ریزی و هداست جنگ کمک می کنند. انتخاب فرمانده شورای نظامی پس از مشورت البغدادی با مجلس شورا توسط وی انتخاب می شود (Bunzel, 2015).

مجلس شورا که شامل ۹ تا ۱۱ عضو است که عمدتاً از کشورهای عربی و از اعضا سابق سازمان القاعده هستند این شورا وظیفه هدایت و بررسی صلاحیت والی و فرماندهان نظامی را دارد. ریاست شورا در اختیار ابوارکان العامری است که توسط خود البغدادی انتخاب می شود.

شورای امنیت و اطلاعات که مهمترین وظیفه آن تعیین محل اقامت ابوبکر البغدادی و جا به جای آن در صورت نیاز است همچنین جلو گیری از نفوذ ورخنه به داخل سازمان و جاسوسی نیز از دیگر وظایف این شورا به شمار می رود. این شورا در برخی از فعالیت های خود اجرای حدود دستگاه قضا را نیز در دستور کار خود دارد. ابو علی الانباری افسر سابق دستگاه اطلاعات عراق ریس این شورا است و همچنین چندین نفر از دستگاه اطلاعات عراق در این شورا جای دارند. هماهنگی میان دیگر دستگاه ها اجرای ترورها مشهود ترین فعالیت این شورا است همچنین در داخل شورا هیات اطلاع رسانی نیز وجود دارد که بعدها تبدیل به وزارت اطلاعات شد که ریاست آن را سخنگوی شورا بر عهده دارد (ibid).

هیات های شرعی یکی دیگر از ارکان مهم داعش به شمار می رود. تعیین حدود قضا، امر به معروف و نهی از منکر در کنار تعلیمات دینی در دستور کار این هیات ها قرار دارد. پس از اینکه البغدادی به عنوان خلیفه ظاهر شد این هیات عملاً تبدیل به وزارت ارشاد گردید. این هیات مهمترین نقش را در تحریک احساسات و ایجاد خوی جنگ طلبی در میان اعضا داعش دارد. هیات های شرعی دو وظیفه را بر عهده دارند: ۱- قضاوت و حل فصل منازعات، اقامه حدود و امر به معروف و نهی از منکر؛ ۲- ارشاد دعوت به عضویت در گروه و صدور فرمان جهاد. از طرفی دیگر عمده بیانات و سخن رانی های البغدادی توسط این گروه تنظیم می شود (عباسی، ۱۳۹۳).

موسسه رسانه وظیفه اطلاع رسانی و هدایت پایگاه های الکترونیکی و شبکه های اینترنتی موسوم به «جهاد» را بر عهده دارند. افرادی که دارای تخصص در امور الکترونیکی هستند یا در هسته های مخفی قرار دارند که عمدتاً نیز از کشورهای عربی

حاشیه خلیج فارس می باشند در این امور به داعش کمک می رسانند. تهیه کلیپ و فیلم از جنایات داعش و سخن رانی ها و پیام های بغدادی از مهمترین وظایف این موسسه می باشد.

در یک نگرش کلی می توان سازمان داعش را دارای ویژگی های زیر دانست:

۱- این سازمان دارای ساختاری بسیار چابک و چالاک است که به ماهیت داعش بر می گردد و دارای خصوصیتی غیر دولتی است.

۲- ویژگی دوم که در راستایی ویژگی اول قرار دارد اینکه داعش فاقد بروکراسی عظیم است. به عبارت دیگر تصمیمات در داخل یک فرایند بروکراتیک پیچیده اتخاذ نمی شود بلکه به صورت فردی و با سرعت بالای عملیاتی می گردد.

۳- در توزیع پست ها و مناصب به بافت قومی توجه می شود و سعی می گردد تا حد امکان برابری قومیتی در آن رعایت گردد هر چند که عرب ها جایگاه اصلی را در سازمان آن به خود اختصاص داده اند.

داعش در بستر جهانی شدن

رشد و گسترش داعش در قلب خاورمیانه علاوه بر تحولات رخ داده در زمینه امنیتی منطقه که پیش از این در قالب القاعده و دیگر گروه های تروریستی مشاهده می شد، دارای تفاوت های است. از این که رشد گروه داعش نوعی به چالش کشیدن تهدیدات سنتی در خاورمیانه است. تهدیداتی که پیش از این عمدتاً در قالب درگیری میان مرزهای سیاسی و بین کشورها رخ می داد؛ اما ظهور پدیده داعش حاکی از فصل نوین مسائل امنیتی در منطقه است که نه تنها در درون کشور خاص بلکه به صورت گسترده یافته چندین کشور را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

به عبارت بهتر بررسی داعش در قالب تهدیدات سنتی قابل بررسی نیست و نفوذ این گروه های تروریستی به دیگر کشورهای منطقه حاکی از تضعیف دولت ها در خاورمیانه و وجه فرا ملی این پدیده است. مهمترین زمینه تاثیر گذار در این خصوص فرایند جهانی شدن است. به این صورت که جهانی شدن علاوه بر امکان همگرایی جهانی را افزایش داده است اما از سوی دیگر باعث محلی گرایی و تاکید بر هویت های اجتماعی محلی شده است. از این جهت نیز هویت های دینی به صورت بنیادگرایی و نو بنیادگرایی در برابر این همگرایی جهانی عکس العمل از خود نشان داده اند. داعش به عنوان یکی از شاخه های سلفی- تکفیری در منطقه خاورمیانه با بهره گیری از این زمینه و در اختیار داشتن سیستم ارتباطی گسترده توانسته است که گسترش چشم گیری در منطقه داشته باشد حتی سیستم تبلیغاتی این گروه به گونه ای بوده که از تمامی اقصی نقاط جهان توانستند دست به جذب نیرو بزنند (Jabareen, 2015).

یکی از زمینه های که در فرایند جهانی شدن حائز اهمیت است و مورد بهره برداری داعش نیز قرار گرفته است سیستم ارتباطی جدید و کنش های ارتباطی نوین است. گسترش شبکه های اجتماعی با کنترل بسیار پایین بر اطلاعات باعث گردیده

است تا اطلاعات به راحتی به گردش در آمده و در اختیار همه قرار بگیرد. شبکه های اجتماعی در فضای مجازی و شبکه های تولید خبر در کنار سایتها، ماهوارهها و تلفن های هوشمند هر گونه اطلاعات - از قبیل تصویر، صدا و نوشتار- را به راحتی انتقال می دهد. روشن است که در این بستر برخورد و آگاهی از دیدگاه ها و فرهنگ های گوناگون به سرعت رشد کرده و نوعی خود آگاهی به همراه خواهد آورد.

از این جهت بهره گیری از سیستم ارتباطی در چند جهت بر رشد گروه های بنیادگرا تاثیر می گذارد که اولین گام آن مربوط به اطلاع رسانی و عضو گیری از طریق این سیستم ها می باشد. به طوری که در بررسی ساختار تشکیلاتی داع نیز شاهد بودیم هیات رسانه یکی از ارکان های مهم این تشکیلات بشمار می رفت. در فرایند شکل گیری داعش و در گسترش این گروه نیز رسانه نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. چرا که رشد اندیشه بنیادگرا نیازمند بر خود دیدگاه های بنیادگرا با گستره اندیشه کثرت گرا است که باعث رادیکال شدن و اقدام خشونت آن می باشد. بطوری که دال خشونت داعش برخوردار از این عامل است و برای مقابله با جهان متکثر نیازمند «تکفیر» است. از سوی دیگر رسانه زمینه لازم برای تبلیغ اقدامات و نشان دادن هژمونی در منطقه را برای گروه داعش فراهم می کند. بدین معنا که جنگ روانی و تضعیف روحیه از دیگر استفاده های است که نیروهای داعش از آن بهره می برند (Gunaratna, 2002: 86).

شکل گیری هویت اجتماعی داعش نیز از دیگر مباحث مهم است که در کانون جهانی شدن مورد توجه است. مطابق تعریف هویت، آن چیزی است که افراد یک جامعه به درک مشترک دست پیدا می کنند و الگوهای رفتاری معینی را در پیش می گیرند. لذا، شکل گیری هویت بنیادگرا همواره پاسخی به احساس تهدید هویت خود است. گسترش کثرت گرایی و فروپاشی فراروایت های کلان که ناشی از فهم در بستر جهانی شدن است، منجر به عکس العمل برخی دیدگاه های مذهبی که کمتر قابلیت انعطاف یا سازگاری دارند، می شوند. از این جهت گروه های بنیادگرای سنی مذهب یا سلفی ها که عمدتاً بر مبنای معرفت شناسی و هستی شناسی بر ظاهر گرایی و سلف صالح باور دارند در برابر این کثرت مقاومت و آن را به عنوان تهدید مذهبی می پندارند. از این جهت اقدام به مقابله و رادیکال شدن می کنند که در قالب تئوری های «جهاد» و جنگ مذهبی رخ می نماید.

داعش بعنوان یک هویت اجتماعی در خصوص دچار نوعی بحران هویت شده و نمود آن به صورت گروه تروریستی ظهور کرده است. فارغ از این بدلیل سرخوردگی اجتماعی از نظام سرمایه داری و تقلیل هویت انسان در بستر آموزه های مدرنیته عده زیادی در نقاط مختلف جهان به داعش پیوسته و در برابر دولت های غربی و منطقه ای قرار می گیرند. زمینه های این وضعیت را می توان در بحران هویت اجتماعی ایجاد شده ناشی از برداشت های اقتصادی و تقلیل انسان ارزیابی کرد (Kfir, 2015).

علاوه بر این مسائل کاهش نفوذ دولت ها نیز در فرایند جهانی شدن رقم می خورد. امروزه دولت ها دیگر قدرت بلامنازع در عرصه بین المللی و حتی داخلی نیستند. کنترل اطلاعات در عمده موارد خارج از دسترس دولت هاست. گردش های مالی و

سرمایه گذاری بین المللی بواسطه شرکت های بین المللی انجام می شود. گسترش گروه های غیر دولتی تاثیر مستقیمی بر سیاستگذاری و خط مشی دولت ها دارد، حتی کنترل تسلیحات در انصار دولت ها قرار ندارد، قاچاق اسلحه، انسان و مواد مخدر نگرانی های عظیمی را برای دولت ها بوجود آورده است. از این جهت شکل گیری داعش بعنوان یکی از سازمان های تروریستی در منطقه خاورمیانه خود نیز ناشی از تضعیف و کاهش قدرت دولت های منطقه است که سال ها با اقتدار و قدرت نظامی حکومت کرده اند. از این جهت کاهش نفوذ دولتی باعث رشد گروه های بنیادگرا و تروریستی در منطقه شده است که داعش نیز یکی از این موارد است. شکل گیری داعش در اثر کاهش قدرت مرکزی دولت سوریه و تضعیف دولت عراق بود که با کمک های خارجی و باقیمانده افراد بعثی توسعه یافت.

وجه دیگری که داعش آن را دنبال می کند مربوط به شکل سیستم حکومتی است. گسترش داعش نوعی رویکرد ضد وستفالیایی به شمار می رود. به عبارت بهتر این سیستم در قالب دولت-ملت قابل تعریف نمی باشد و نوعی «ضد ملت گرایی» است و در عوض بر «امت گرایی» تاکید دارد. داعش نوعی بازگشت به سیستم حکومتی اسلامی است و خلافت اسلامی را پیگیری می کند. در این رویکرد ناسیونالیسم یا جغرافیایی سیاسی فاقد اهمیت است و در عوض بر امت زیر مذهب واحد تاکید می کند. لذا می توان پذیرش اینگونه رویکرد در سطح بین المللی را نیز در راستایی جهانی شدن و کثرت الگو های دولتی تحلیل کرد (Jabreen, 2015).

نتیجه گیری

داعش از جمله گروه های تروریستی از است با بهره گیری از فرایند جهانی شدن توانسته است در منطقه خاورمیانه گسترش پیدا کند. آنچه که در آن حوزه دارای اهمیت است تحول مسائل امنیتی منطقه خاورمیانه و چرخش آن تهدیدات سنتی به تهدیدات نوین است که حتی مطالعات امنیتی را نیز تحت تاثیر قرار داده است. فرایند جهانی شدن زمینه های ذهنی و عینی این گروه را بوجود آورد، به گونه ای که شکل گیری هویت اجتماعی بنیادگرا بعنوان پاسخی در برابر کثرت هویتی در فرایند جهانی شدن یا همگونی فرهنگ جهانی تلقی می گردد. آنچه که داعش را امروزه با اهمیت جلوه می دهد اقدام این گروه و بهره گیری از این ابزار جهت انجام تبلیغات، عملیات های روانی و نظامی است. در نگاه به ساختار تشکیلاتی داعش شاهد هنوز عناصر جهانی شدن هستیم که در هیات رسانه، هیات شرعی و مجلس شورای آن مشهود است.

در یک نتیجه گیری می توان اینگونه اذعان داشت که داعش یک مجموعه بنیادگرایی را به نمایش می گذارد که در اثر سرخوردگی از فردگرایی ناشی از رویکرد سرمایه داری و تاکید بر هویت مذهبی و ضد دولتی است.

از این رو می توان این پدیده را نه تنها به عنوان یک ابزار ساخته شده توسط قدرت های بزرگ یا منطقه ای دانست بلکه در نگاه به ایدئولوژی و ساختار تشکیلاتی با سازمانی روبرو هستیم که بر اساس اندیشه و بهره گیری درست و سازمان یافته از

امکانات در راستایی هدف خود بهره می برد. در کنار این عوامل برخورداری این گروه از منابع مالی کلان نیز باعث گردیده است تا مزدورانی را از اقصی نقاط جهان برای پیشبرد اهداف خود بکار بگیرد.

لذا، در بررسی داعش بعنوان یک سازمان در حال گسترش است که خود محصول رشد جهانی شدن است و از ابزارهای آن در پیشبرد اهداف بهره می برد. از این جهت جهانی شدن آستان تحولات نوینی است که در دنیا در حال رخ دادن است و خاورمیانه بعنوان منطقه ای که دارای ظرفیت نزاع و کثرت مذهبی- قومی تحت تاثیر این فرایند به سمت بحران سوق داده می شود. به عبارت بهتر، جهانی شدن در خاورمیانه افزایش بنیادگرایی و ایجاد غسل های مذهبی را به همراه دارد که بیش از پیش بر بحرانی بودن این منطقه می افزاید.

منابع:

- ۱- حرانی، ابن تیمیه (۱۴۱۸ق) مجموعه فتاوی.
- ۲- افتخاری، اصغر(۱۳۸۱) مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- شفیعی، حسن؛ مهرور، مهدی (۱۳۹۱) جهانی شدن و گسترش شبکه های بنیادگرایی سلفی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره نوزدهم، صص ۱۴۳-۱۷۴.
- ۴- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰) جهانی شدن و جهان سوم (روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین الملل)، چاپ ششم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۵- فیرحی، داوود (۱۳۹۳) گزارش اعتدال و افراط، مرکز مطالعات خاورمیانه، قابل دسترس در پایگاه اینترنتی:

www.ipsa.ir/content

۶- فیروزآبادی، سید حسن و همکاران (۱۳۹۳) تکفیری های داعشی را بشناسیم، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

۷- عباسی، محمود (۱۳۹۳) سنخ شناسی داعش، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۲، صص ۹۳-۱۲۰.

۸- بلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳) جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، (ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران)، تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

۹- روشن چشم، حامد (۱۳۹۳) تحلیل جامعه شناختی داعش، روزنامه رسالت،

10- Asad, Muhammad (1999) The principles of state and government in Islamic, Published by Islamic Book Trust.

11- Astin, Henry (2014) NBC NEWS, Global Jihadis or al-Qaeda Wannabes: Who are the Islamic State of Iraq and the Levant? January 11 http://worldnews.nbcnews.com/_news/2014/01/11/22243203-global-jihadis-or-al-qaeda-wannabes-who-are-the-islamic-state-of-iraq-and-the-levant?lite

12- Brisard, Jean. Martinez, Damien (2015) Islamic State: The Economy-Based terrorist fanding, Reflect the official Policy or Position of Thomson Reuters.

13- Bunzel, Cole (2015) From Paper State to Caliphate: The Ideology of the Islamic State, The Brookings Project on U.S. Relation with the Islamic World, No. 19.

14- Bunzel, Cole (2014) The Islamic state of disobedience: Al-Baghdadi triumphant, October 5. <http://www.jihadica.com/the-islamic-state-of-disobedience-al-baghdadis-defiance/>

15- Gunaranta (2002) Inside Al-Qaeda: Global Network of terror, New York: Columbia University Press.

16- Jabreen, Yosef (2015) The emerging Islamic State: Terror, territoriality, and the agenda of social transformation, Urban Planning and Politics, Faculty of Architecture and Town Planning, Technion – Israel Institute of Technology, 33855 Haifa.

17- Kfir, Isaac (2015) Social Identity Group and Human (In) Security: The case of Islamic (ISIL), Studies in Conflict & Terrorism, PP. 233-252.

18- Mortada, Radwan (2014) Al-Qaeda leaks Baghdadi and Golani fight over the Levant Emirate, January 10. <http://english.al-akhbar.com/content/al-qaeda-leaks-baghdadi-and-golani-fight-over-levant-emirate>

- 19- Freeman, Colin (2014) Meet Abu Bakr al-Boghdadi, al-Qaeda's new poster boy for the Middle East, January 13. <http://www.dnaindia.com/world/report-meet-abu-bakr-al-baghdadi-al-qaeda-s-new-poster-boy-for-the-middle-east-1949849>
- 20- Joscelyn, Tomas (2013) The long war Journal, Al-Qaeda in Iraq Al-Nusrah Front emerges as rebranded single entity, April 9. http://www.longwarjournal.org/archives/2013/04/the_emir_of_al_qaeda.php
- 21- Katagiri, Noriyuki (2015) ISIL, insurgent strategies for statehood, and the challenge for security studies, small wars & Insurgencies, Vol.26, No.3, pp. 542-556.
- 22- Gulmohamad, Zana Khasraw (2014) The Rise and Fall of the Islamic State of Iraq and Al-Sham (Levant) ISIS, Global Security studies, Volume 5, Issue 2.
- 23- Gordon, Gen. Col, James (1993) Land Warfare in the 21 century (Carlisle, Pa: strategic Studies Institute, U.S. army war college).
- 24- Creveld, Martin (1991) the transformation of war, New York: the free press.
- 25- Clapham, C (1990) Sovereignty and the Third World State, Political Studies.
- 26- Holton, R (1998) Globalization and the Nation-State, London: Macmillan Press Ltd.

Archive of SID